اشاره

بعد از گذشت بیش از دو هفته از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هنوز تکلیف این انتخابات جنجالی و پرحاشیه مشخص نیست.رسانه‌های آمریکا مثل سی ان ان، فاکس نیوز و آسوشیتدپرس، بایدن را پیروز انتخابات معرفی کرده‌اند اما ترامپ گفته است «از کی تا حالا رسانه‌ها پیروز انتخابات را معرفی می‌کنند؟»او شکست را نپذیرفته و بارها توئیت کرده است که «نتیجه را قبول ندارد، در انتخابات به نفع بایدن تقلب شده میلیون‌ها رای وی دزدیده شده و در نهایت او پیروز انتخابات است». ترامپ پیش از برگزاری انتخابات نیز بارها اعلام کرده بود که تنها در صورتی شکست خواهد خورد که تقلب شود. ادعاهای ترامپ درباره تقلب در انتخابات در حالی است که بیشتر دعاوی حقوقی وی در دادگاه‌های ایالتی درباره توقف شمارش آراء یا ابطال نتایج رد شده است و کارشناسان شانس بسیار کمی برای وی برای بازگرداندن ورق متصور هستند. گزارش پیش رو سعی دارد به دو سوال پاسخ دهد اول، چرا ترامپ باخت و دوم درصورت امتناع ترامپ از پذیرش شکست مسیر انتقال قدرت در آمریکا به چه شکلی خواهد بود و آیا ترامپ شانس این را دارد که با استفاده از مکانیزم‌های قانونی همچنان در قدرت باقی بماند؟

سرویس خارجی کیهان

ادامه بحران انتقال قدرت در جامعه از هم گسیخته آمریکا

چرا ترامپ شکست را نمی‌پذیرد؟

چرا ترامپ باخت؟

رسانه‌ها و کارشناسان دلایل بسیاری را برای شکست ترامپ ذکر می‌کنند از جمله؛ شکست در مدیریت بحران کرونا و تأثیر شدید آن بر اقتصاد آمریکا، اعتراضات ضد نژادپرستی و حمایت‌های علنی ترامپ از نژادپرستان و ترس شدید سیاهان، رنگین پوستان و مهاجران از پیروزی مجدد وی، عدم جدیت حزب جمهوری‌خواه در حمایت از ترامپ و رها کردن وی از سوی بسیاری از جمهوری‌خواهان قدیمی و در نهایت مخالفت رسانه‌های جریان اصلی با وی. ترامپ طی چهار سال گذشته با بسیاری از رسانه‌های جریان اصلی در آمریکا و حتی شبکه‌های اجتماعی مثل توئیتر و فیس‌بوک درگیر شد. ترامپ قادر به درک این نکته نبود که رسانه‌ها در دنیای کنونی از منابع اصلی شکل‌دهی به تحولات سیاسی و اجتماعی هستند و این رسانه‌ها در انتخابات اخیر نیز نقش اصلی در دستکاری افکار عمومی مردم آمریکا بر ضد ترامپ و به نفع جوبایدن داشتند.

اما اگر بخواهیم بین این چند متغیّر یکی را برجسته کنیم به‌نظر می‌رسد نقش کرونا در شکست ترامپ بسیار برجسته‌تر از سایر عوامل بوده است.کرونا آمریکا را در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری این کشور به بحرانی عمیق اقتصادی فرو برد و به باور کارشناسان به مهم‌ترین عامل باخت ترامپ بدل شد. بر اساس گزارش‌ها بحران اقتصادی کنونی آمریکا در طول ۹۰ سال گذشته و از زمان بحران اقتصادی ۱۹۲۹ به این سو بی‌سابقه بوده است. «سی‌بی‌اس نیوز» به نقل از وزارت خزانه‌داری آمریکا نوشته است: «کسری بودجه آمریکا در ۱۱ ماه ابتدایی سال مالی کنونی به رکورد تاریخی ۳تریلیون دلار رسیده است.این حجم از کسری بودجه ناشی از هزینه‌کردهای عظیم دولت آمریکا برای کاهش تأثیرات منفی رکود اقتصادی تحت تأثیر کرونا است. این رکود اقتصادی میلیون‌ها شغل را در آمریکا از بین برده است.کسری بودجه کنونی حدود ۲ برابر رکود ۱۱ ماهه قبلی شد. رکورد قبلی ۱.۷ میلیارد دلار کسری بودجه در ۱۱ ماه ابتدای سال مالی ۲۰۰۹ بود. در آن زمان دولت حجم بزرگی از پول را برای بیرون آوردن اقتصاد آمریکا از بحران مالی ۲۰۰۸ به کار گرفت». طبق اطلاعات دفتر پژوهش‌های اقتصادی آمریکا، تولید ناخالص داخلی که شاخص فعالیت اقتصادی در این کشور است، ۳۲,۹ درصد کاهش یافته است و این رقم از ۱۹۷۴ تا کنون یعنی از زمان آغاز فعالیت دفتر پژوهش‌های اقتصادی بی‌سابقه بوده است.

کرونا بیش از ۶۰ میلیون آمریکایی را بیکار کرده و داده‌های آماری نشان می‌دهد هر هفته به طور متوسط ۸۰۰ هزار نفر به تعداد بیکاران آمریکایی که به‌خاطر شرایط کرونا شغل خود را از دست می‌دهند افزوده می‌شود. آمارهای رسمی وزارت کشاورزی آمریکا نشان می‌دهد بیش از ۴۱ میلیون آمریکایی - یک‌هشتم شهروندان این کشور -دچار عدم‌امنیت غذایی شده‌اند. تحقیقات بخش نظرسنجی از خانوارها در اداره آمار آمریکا نیز نشان می‌دهد نزدیک به ۱۴ میلیون کودک آمریکایی به دلیل مشکلات مالی خانوارها اغلب غذای کافی نخورده‌اند. نتایج نظرسنجی موسسه آمریکایی «مادران با کودکان جوان» هم نشان می‌دهد که ۱۷.۴ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند فرزندانشان از زمان شیوع همه‌گیری کرونا به دلیل ناتوانی مالی آنها دچار سوء تغذیه شده‌اند. یک تحقیق دیگر نشان می‌دهد، همه‌گیری کرونا باعث دو برابر شدن ناامنی غذایی در آمریکا شده است. ۴۰ درصد خانوارهایی که در این مدت به بانک‌های غذا مراجعه کرده‌اند اولین بارشان بوده است. همزمان منابع رسمی در آمریکا می‌گویند، بحران کرونا باعث شده، میلیون‌ها نفر در این کشور با خطر بی‌خانمانی مواجه شوند. کرونا میلیون‌ها آمریکایی را که قادر نیستند اجاره خانه‌های خود را بپردازند بی‌خانمان کرده است. پایگاه اینترنتی «بیزینس اینسایدر» در این زمینه گزارش داده است که، با پایان اجرای طرحی از سوی دولت فدرال آمریکا مبنی بر «ممنوعیت بیرون راندن مستأجران از خانه‌های خود در دوران کرونا»، ۲۸ میلیون نفر در این کشور بی‌خانمان خواهند شد. پایگاه اینترنتی آمریکایی «بلومبرگ» نیز در گزارشی نوشته بود ۲۲ میلیون و ۶۰۰ هزار خانواده ماه ژوئیه (تیرماه) امید چندانی نداشتند بتوانند کرایه خانه ماه آینده خود را بپردازند. سی‌ان‌ان نیز در گزارش خود وضعیت را «وخیم‌تر» اعلام کرده و نوشته، احتمالاً تا پایان سال جاری میلادی ۴۰ میلیون نفر از مردم آمریکا بی‌خانمان خواهند شد. سی ان ان در ادامه هشدار داده اگر «شرایط تغییر نکند ممکن است آمریکا با شدیدترین بحران مسکن در تاریخ خود روبه‌رو شود».

شاخص‌های اقتصادی آمریکا قبل از شیوع کرونا همگی به نفع ترامپ بود اما کرونا به یک‌باره همه چیز را تغییر داد. بیش از ۱۰ میلیون به کرونا مبتلا شدند، بیش از ۲۰۰ هزار نفر فوت کردند، بالای ۶۰ میلیون بیکار شدند و میلیون‌ها مستاجر نیز قادر نبودند اجاره‌های خود را بپردازند و همه اینها در شرایطی بود که ترامپ سعی داشت خطر کرونا را کم اهمیت جلوه دهد او به مبارزه علمی‌با کرونا نیز اعتقادی نداشت و در تجمعات انتخاباتی که برگزار می‌کرد اکثریت طرفدارانش ماسک نمی‌زدند و هیچ کدام از پروتکل‌های بهداشتی را رعایت نمی‌کردند. این وضعیت نیز به طور مرتب از طریق سی‌ان‌ان پوشش داده می‌شد. لذا غلط نخواهد بود اگر بگوییم کرونا به مهم‌ترین عامل داخلی در شکست ترامپ بدل شد.

چرا ترامپ شکست را نمی‌پذیرد؟

ترامپ پیش از انتخابات بارها اعلام کرده بود که مسلماً و قطعاً در انتخابات پیروز خواهد شد و تنها در صورتی شکست می‌خورد که دموکرات‌ها در انتخابات به نفع ترامپ تقلب کنند او درباره انتقال قدرت در صورت شکست نیز گفته بود خبری از انتقال قدرت نخواهد بود و او حتماً پیروز می‌شود. دلایل متعددی را می‌توان در پاسخ به این سوال ذکر کرد که چرا ترامپ حاضر نیست شکست را بپذیرد. برخی از کارشناسان بر این باورند که شخصیت بیمار و خودشیفته وی به‌گونه‌ای است که اجازه نمی‌دهد به او که شخص دیگری را از خود بالاتر ببیند همه باید تابع ،مطیع و پایین‌تر از او باشند و همین ویژگی شخصیتی ترامپ، مرز بین دنیای واقعی و دنیای خیالی را در ذهن وی بر هم زده است و وی واقعاً نشانه‌های شکست را نمی‌بیند. ترامپ در انتخابات اخیر هم در آرای مردمی و هم در آرای الکترال بر رقیب دموکرات خود باخته است اما در ده‌ها توئیتی که طی این مدت منتشر کرده همواره خود را پیروز آرای مردمی و آرای الکترال معرفی کرده است. او واقعاً فکر می‌کند که امکان ندارد شکست بخورد و با قاطعیت و قطعیت معتقد است که این روند معکوس شده و او در نهایت پیروز خواهد بود. در این میان نقش مشاوران و اطرافیان ترامپ را نیز نباید نادیده گرفت مشاوران و اطرافیان چیزهایی را به او می‌گویند که دوست دارد بشنود و همین در تشدید بیماری روانی وی بسیار موثر است. ترامپ تحمل شنیدن نه را ندارد و هرکس به او نه بگوید به بدترین شکل طرد خواهد شد. برادرزاده ترامپ نیز در این‌باره می‌گوید «ترامپ به‌خاطر شخصیت خودشیفته‌اش تاب شکست را ندارد او در خانواده‌ای رشد کرده که در آن شکست به معنای واقعی کلمه مثل محکومیت اعدام است»

فارن افیرز در مقاله‌ای با عنوان «گذار خیانت‌آمیز قدرت در آمریکا» نوشته است: سرکشی ترامپ نه تنها دموکراسی آمریکا را تهدید می‌کند، بلکه امنیت ملی این کشور را نیز به خطر می‌اندازد.

***

ترامپ میلیون‌ها طرفدار در جامعه از هم گسسته و به شدت دو قطبی آمریکا دارد و همه آنها از ادعاهای وی درباره تقلب حمایت می‌کنند.

***

ترامپ فعلاً بازی را باخته است اما دیدگاه‌های وی در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و حتی علم طرفداران زیادی در آمریکا دارد و ترامپ با استفاده از این پایگاه گسترده اجتماعی می‌تواند به آینده امیدوار باشد البته اگر به سرنوشت کندی دچار نشود.

«باب وودوارد» روزنامه‌نگاری که با افشای رسوایی واترگیت نقش اصلی را در استعفای «نیکسون» داشت دلیل دیگری را برای امتناع ترامپ از پذیرش شکست عنوان می‌کند و آن ترس از محاکمه است. او می‌گوید «ترامپ هم می‌تواند سرنوشتی نزدیک به نیکسون داشته باشد و اصلا دلیل مبارزه عجیب و تا پای جان ترامپ جز این نیست. تاکنون هیچ‌یک از روسای جمهور آمریکا به جرم کیفری متهم نشده‌اند، اما ترامپ و اطرافیانش می‌دانند که در صورت شکست در انتخابات مصونیت ریاست‌جمهوری او از بین خواهد رفت». به گفته «باب وودوارد» این اتفاق می‌تواند برای ترامپ ترسناک باشد. به خصوص که در حال حاضر بیش از ۱۰ پرونده علیه دونالد ترامپ در جریان است. به عبارت بهتر به‌نظر می‌رسد رئیس‌جمهور فعلی آمریکا تصور می‌کند بعد از باخت در انتخابات و خروج از کاخ سفید پایان خطرناکی در انتظارش است. شاید حتی خطرناک‌تر از چیزی که برای نیکسون پیش آمد. بسیاری، از جمله مایکل بسکلوس، مورخ ریاست‌جمهوری آمریکا هم در این زمینه با دونالد ترامپ هم‌عقیده است و باور دارد که «اگر شکست بخورد، در موقعیتی قرار خواهد گرفت که پیش‌تر نیکسون در آن قرار گرفته و ناچار به استعفا شده بود».

بر اساس گزارش نیویورکر «تاکنون ترامپ با موفقیت توانسته از یک استیضاح، ۲ طلاق، ۶ مورد ورشکستگی، ۲۶ اتهام آزار جنسی و ۴ هزار پرونده قضایی جان سلامت به در ببرد. کمتر می‌توان به کسی یا کسانی برخورد- که توانسته باشد با مکر و حیله از تبعات چنین اتهاماتی در امان بماند. ترامپ اما توانسته، ولی این‌ترس را هم دارد که مبادا این حجم از خوش‌شانسی بدجایی ته بکشد، و مثلا با پیروزی جو بایدن در انتخابات به یک پایان بسیار بی‌رحمانه ختم شود».

«مری ترامپ» برادرزاده دونالد ترامپ، روانشناس بالینی و نویسنده کتاب «بیش از حد اما همیشه ناکافی: چگونه خانواده ما فاجعه‌بارترین مرد در جهان را خلق کرد» نیز درباره ترس دونالد ترامپ از شکست می‌گوید: «او به خوبی می‌داند که اگر نتواند در کاخ سفید بماند، به‌شدت دچار دردسر خواهد شد. با توجه به اینکه گستردگی جرم و جنایات دونالد ترامپ تا حد زیادی غیرقابل کتمان و غیرقابل انکار است، پس می‌توان قرار گرفتن او را تحت پیگرد قانون قطعی دانست. حتی اگر این پیگیری‌ها در سطح فدرال رخ ندهد، در سطح ایالتی این اتفاقات به کرات برای ترامپ رخ خواهد داد». «باربارا راس» نویسنده کتاب «برج دروغ‌ها» نیز عقیده‌ای مانند برادرزاده ترامپ دارد و می‌گوید که «ترامپ بیشتر می‌خواهد با پیروزی در انتخابات از مواجهه با قانون فرار کند... یکی از دلایلی که ترامپ دیوانه‌وار به دنبال پیروزی بود، این بود که رسانه‌ها می‌گفتند دادستان‌ها به دنبالش هستند. این یک شبح بسیارترسناک برای او بود».

نشریه آمریکایی «نیویورک مگزین» نیز در گزارشی درباره دلایل مقاومت دونالد ترامپ در برابر انتقال قدرت به جو بایدن که رسانه‌های آمریکایی وی را برنده انتخابات اعلام کرده‌اند، بی‌پولی وترس از زندانی شدن را دلایل عمده مخالفت ترامپ با تحویل قدرت عنوان کرد. این نشریه از قول یکی از نزدیکان ترامپ نوشته است:«او می‌خواهد شکست را قبول کند اما بی‌پول است و نگران است که دستگیر شود. او حتی نگران بود که ترور شود. حضور در کاخ سفید برای او یک تجربه فوق‌العاده نبود. البته او دوست داشت در کاخ سفید خودش را به مردم نشان دهد، اما کار روزمره و واقعی یک رئیس‌جمهور برای او بسیار ناخوشایند بود.»

در صورتی که دونالد ترامپ در ۲۰ ژانویه(اول بهمن) مجبور به‌ترک کاخ سفید شود، ممکن است به‌عنوان یک شهروند عادی با پرونده‌های قضایی متعددی مواجه شده و به دادگاه فرا خوانده شود.در ماه‌های اخیر، ترامپ ۷۴ ساله بارها اتهامات مربوط به تجاوز و فرار مالیاتی را رد کرده است. او که سابقه متهم شدن به افترا و تهمت را دارد ممکن است توسط وزارت دادگستری آمریکا نیز مورد تحقیق جنایی قرار گیرد. «ای جین‌کارول»، نویسنده سابق مجله«Elle»، در سال ۲۰۱۹ از دونالد ترامپ شکایت کرد، زیرا مدعی بود که رئیس جمهور کنونی آمریکا در دهه ۱۹۹۰ در مغازه‌ای در نیویورک به او تجاوز کرده است. همچنین بخشی از این شکایت به این موضوع بر می‌گردد که ترامپ اظهارات کارول را دروغی برای بالا بردن فروش کتاب خود دانسته بود. در ماه آگوست(مرداد) یک قاضی ایالتی اجازه رسیدگی به این پرونده را صادر کرد و این بدان معناست که وکلای کارول می‌توانند نمونه «دی‌ان‌ای» ترامپ را درخواست کنند.

«سایروس ونس» دادستان منطقه‌ای منهتن که قوانین ایالت نیویورک را اعمال می‌کند نیز بیش از دو سال است که در حال رهبری یک پرونده جنایی مربوط به شرکت دونالد ترامپ و شخص وی می‌باشد. این تحقیقات در ابتدا بر روی حق‌السکوت‌هایی بود که «مایکل کوهن»، وکیل شخصی سابق دونالد ترامپ، در دوران پیش از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۶ به دو زنی که مدعی داشتن رابطه جنسی با رئیس جمهور کنونی بودند داده بود، ادعاهایی که ترامپ همواره آنها را رد کرده است. ونس که یک دموکرات است مدعی شده که تحقیقات پرونده او گسترده‌تر شده و می‌تواند روی حساب‌های بانکی، فرارهای مالیاتی، تخلف‌های بیمه‌ای و همچنین دستکاری و تقلب در اسناد تجاری نیز متمرکز شود.دونالد ترامپ پرونده این قاضی منطقه‌ای را اذیت و آزار با اهداف سیاسی و حزبی توصیف کرده است. ونس تلاش دارد در نهایت فرارهای مالیاتی که دونالد ترامپ به ادعای وی در هشت سال اخیر داشته را به خزانه بازگرداند. در ماه جولای(تیرماه)، دادگاه عالی آمریکا اعلام کرد که رئیس جمهور در دوران حضور در کاخ سفید در مقابل تحقیقات قضایی ایالتی مصونیت ندارد، اما می‌تواند در این پرونده از خود دفاع کند. کارشناسان بر این باورند که این قاضی دموکرات در نهایت خواهد توانست بعد از پایان ریاست جمهوری ترامپ به اسناد مالی وی دسترسی پیدا کند.

دونالد ترامپ همچنین ممکن است با شکایتی حقوقی از جانب «سامر زروس» مواجه شود، زنی که مدعی است رئیس جمهور کنونی آمریکا در ملاقاتی در سال ۲۰۰۷ وی را مورد تعرض قرار داده است. بعد از اینکه ترامپ این زن را دروغگو نامید، «زروس» به اتهام افترا از وی شکایت کرد، در حالی که ترامپ می‌گوید در جایگاه ریاست جمهوری مصونیت دارد. در سال ۲۰۱۹ بود که دادگاهی در نیویورک اعلام کرد ترامپ باید به اتهامات مطرح شده در این پرونده پاسخگو باشد. ترامپ همچنین ممکن است پس ازترک کاخ سفید با تحقیقات وزارت دادگستری آمریکا به رهبری دادستان کل جدید روبه‌رو شود. برخی کارشناسان حقوقی گفته‌اند که ترامپ می‌تواند با اتهامات مربوط به فرار مالیاتی مواجه شود که با گزارش روزنامه نیویورک تایمز در مورد اینکه ترامپ در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ تنها ۷۵۰ دلار مالیات فدرال پرداخت کرده در ارتباط است. ترامپ اطلاعات مطرح شده در گزارش نیویورک‌تایمز را رد کرده و در توییتی مدعی شد که میلیون‌ها دلار مالیات پرداخته، اما مستحق بندهایی در مورد کاهش بهای مستغلات و بخشودگی‌های مالیاتی قرار گرفته است.

ابهام در انتقال قدرت؟

واقعیت این است که قانون اساسی آمریکا انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را مفروض گرفته و لذا مسیر انتقال قدرت در صورتی که نامزد شکست‌خورده شکست را نپذیرد در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. نه در قانون اساسی و نه در قوانین فدرال آمریکا، اذعان به شکست جزو شرایط لازم برای رسمی شدن نتیجه انتخابات نیست. قانون اساسی آمریکا نیز با فرض پذیرش شکست متن صریحی درباره شرایط اتمام دوران ریاست‌جمهوری یک سیاستمدار و آغاز دوره ریاست‌جمهوری فرد دیگری دارد. در متن متمم ۲۰ قانون اساسی آمریکا آمده است: «دوران ریاست‌جمهوری رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور عصر بیستمین روز ژانویه به اتمام می‌رسد». قانونی که تحت عنوان قانون انتقال قدرت ریاست جمهوری در سال ۱۹۶۳ در قانون اساسی آمریکا نوشته شد، کارمندان مشاغل دولتی را موظف به انجام روند انتقال قدرت از کابینه رئیس‌جمهور پیشین به رئیس‌جمهور بعدی در زمان مشخص می‌کند. آنها برای ارائه خدمت و دسترسی به دفاتر کاری با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند. بر اساس این قانون، هنگامی‌که آژانس فدرال تحت عنوان اداره خدمات عمومی ایالات متحده (GSA) که ساختمان‌های دولتی و فدرال آمریکا را مدیریت می‌کند، شخصی را برنده آشکار انتخابات معرفی کند روند انتقال قدرت با سرعت بالایی انجام می‌پذیرد. در آن زمان امکان استفاده از بودجه دولتی برای رئیس‌جمهور منتخب فراهم می‌آید و اعضای کابینه او نیز می‌تواند به گزارش عملکرد دولت دسترسی پیدا کرده و نمایندگان خود را برای بازدید از سازمان‌های دولتی و فدرال سراسر کشور روانه کند. اما مشکل اینجاست که این آژانس فدرال تا کنون از پذیرش شکست ترامپ و پیروزی بایدن خودداری کرده است.

در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اینکه نامزدها نتیجه انتخابات را به چالش بکشند سابقه داشته، اما هیچ نامزدی تا به حال کار را تا حد امتناع ازترک قدرت پیش نبرده است اما رفتارهای ترامپ به‌گونه‌ای است که موجب می‌شود بعیدترین گزینه‌ها هم رویدادهایی ممکن به‌نظر برسند. درباره امتناع ترامپ از پذیرش شکست چندین سناریو وجود دارد؛

سناریوی اول، طی روزهای آتی و با رد شدن شکایت‌های ترامپ از سوی دادگاه‌های ایالتی ترامپ سرانجام شکست را می‌پذیرد اما برای فرار از تبعات روانی پذیرش شکست مدعی می‌شود که بایدن با تقلب و دزدیدن آرای وی پیروز شده است و در نهایت با تیم بایدن برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت همراهی می‌کند(تاکنون هیچ نشانه‌ای برای تحقق این سناریو دیده نمی‌شود)

سناریوی دوم پس از شمارش تمامی آرا بایدن رئیس‌جمهور معرفی می‌شود و شکایت‌های ترامپ نیز به جایی نمی‌رسد اما ترامپ همچنان از پذیرش شکست خودداری می‌کند در چنین حالتی جو بایدن، مراسم تحلیف را برگزار خواهد کرد و سرویس مخفی آمریکا، ترامپ را از کاخ سفید بیرون خواهد کرد. در این حالت نیروهای مسلح آمریکا نیز پشت‌سر رئیس‌جمهور منتخب قرار گرفته و ترامپ هیچ شانسی نخواهد داشت. شاید تنها امید ترامپ به هواداران دو آتشه و مسلح خود باشد اما آنها نیز ثابت کرده‌اند که حاضر نیستند به‌خاطر ترامپ دست به ماشه ببرند. (سناریوی محتمل)

سناریوی سوم اگر شکایت‌های ترامپ به‌گونه‌ای باشد که جدال بر سر نتیجه را وارد فرآیندهای حقوقی پیچیده و طولانی‌مدت کند در آن صورت به لحاظ قانونی ممکن است ترامپ بر سر قدرت باقی بماند(سناریوی بعید)

سناریوی سوم نیازمند توضیح بیشتری است؛ در شرایط عادی روز ۸ دسامبر(۱۸ آذر) آخرین ضرب‌الاجل حل و فصل مناقشه‌های انتخاباتی است. «مجمع گزینندگان» (کالج انتخاباتی) رسماً روز ۱۴ دسامبر(۲۴) به رئیس‌جمهور جدید رأی می‌دهد و پس از آن کنگره آمریکا دو هفته قبل از برگزاری مراسم تحلیف (۱۷ دی) نتیجه انتخابات را تأیید می‌کند. در حالتی که چالش‌ها بر سر نتیجه بعد از ۸ دسامبر ادامه داشته باشند، تعیین پیروز انتخابات وارد سناریوهای بسیار پیچیده و مبهمی‌خواهند شد. «دوارد فولی»، استاد دانشگاه در رشته حقوق در بررسی‌ای که بر سر این موضوع انجام داده نوشته «در چنین شرایطی، ایالت‌هایی مانند ایالت‌های کلیدی «پنسیلوانیا»، «کارولینای شمالی»، «میشیگان» و «ویسکانسین» که فرماندارهای آنها دموکرات است اما مجالس ایالتی آنها در اختیار جمهوری‌خواهان است ممکن است دو گروه متفاوت گزیننده انتخاب کنند (فرماندارها گزیننده‌هایی که به بایدن رأی می‌دهند و مجلس، گزیننده‌هایی که ترامپ را رئیس‌جمهور اعلام می‌کنند).در این حالت، رئیس مجلس سنا (یعنی مایک پنس، معاون ترامپ) موظف به حل این مناقشه است. رئیس سنا ممکن است تصمیم بگیرد هر دو دسته این آرای الکترال در ایالت‌های مذکور را حذف کند و این به معنی آن است که هیچ نامزدی، ۲۷۰ رأی لازم برای رسیدن به ریاست‌جمهوری را نخواهد داشت. در این حالت، اعضای کنگره باید رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور را انتخاب کنند. مجلس نمایندگان مسئول انتخاب رئیس‌جمهور است. فرآیند رأی‌گیری نیز به این صورت است که هیئت نمایندگان هر ایالت، یک رأی در اختیار دارند. اگر فردی ۲۶ رأی (از ۵۱ رأی ممکن) بگیرد به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب خواهد شد. مجلس سنا مسئول انتخاب معاون رئیس‌جمهور است. در اینجا هر سناتور یک رأی در اختیار دارد و در صورتی که نامزدی ۵۱ رأی به دست بیاورد به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور انتخاب خواهد شد. در حالت بعیدی که سنا معاون رئیس‌جمهور را انتخاب کند اما مجلس نمایندگان نتواند رئیس‌جمهور را انتخاب کند، معاون رئیس‌جمهور وظایف رئیس‌جمهور را انجام خواهد داد تا زمانی که مناقشات حل شوند».

فرید زکریا»، تحلیلگر مسائل بین‌المللی نیز با انتشار یک ویدئو به شرح سناریویی پرداخته که طبق آن «دونالد ترامپ» ممکن است بتواند بدون به دست آوردن رأی مردمی در قدرت بماند وی در این‌باره می‌گوید: «انتخاب رئیس‌جمهور در آمریکا فرایند پیچیده‌ای دارد چون این سیستم به‌گونه‌ای طراحی نشده که مستقیماً دموکراتیک باشد. در قانون اساسی آمریکا تصریح شده ایالت‌ها باید افرادی موسوم به «الکتور» (گزیننده) را انتخاب کنند؛ این گزیننده‌ها سپس در جلسه‌ای به نامزدی که آرای مردمی را به دست آورده رأی می‌دهند و او را به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب می‌کنند.حالا، سناریوی روز انتخابات را تصور کنید. ترامپ، روز سوم نوامبر از جو بایدن جلو افتاده، اما در روزهای بعد بایدن پیشتاز می‌شود. جمهوری‌خواهان، از طریق تنظیم شکایت‌نامه با ده‌ها هزار رأی پستی مخالفت می‌کنند؛ دموکرات‌ها شکایت‌های متقابلی طرح می‌کنند. در چنین شرایطی، مجالس ایالتی، با توجه به این وضعیت مبهم، تصمیم می‌گیرند خودشان الکتورها را انتخاب کنند. مسئله نگران‌کننده اینجا است: از میان ۹ ایالت بینابین (ایالت کلیدی)، مجلس ایالتی ۸ تای آنها در کنترل جمهوری‌خواهان است.»

وی اضافه می‌کند:«اگر یک یا چند تا از این ایالت‌ها بگویند که آرا مشکل داشته‌اند و در آنها تخلف صورت گرفته می‌توانند کسانی را که به‌نظر خودشان الکتورهای قانونی هستند به جلسه مجمع گزینندگان ارسال کنند، که قاعدتاً الکتورهای جمهوری‌خواه خواهند بود. دموکرات‌ها ممکن است با این موضوع مخالفت کنند و شکایت‌نامه‌هایی تنظیم کنند. بعضی از آن ایالت‌ها فرماندارها یا وزرای داخلی‌شان دموکرات است که آنها هم ممکن است الکتورهای مدنظرخودشان را به مجمع گزینندگان بفرستند. این مسئله، ابهام‌ها را دو چندان می‌کند اما این دقیقاً ممکن است بخشی از نقشه جمهوری‌خواهان باشد. چون، زمانی که کنگره روز ۶ ژانویه(۱۷ دی) برای شمردن آرای الکتورها تشکیل جلسه می‌دهد، مشروعیت برخی از الکتورها با چالش روبه‌رو خواهد بود. این احتمال وجود دارد که جمهوری‌خواهان کنگره تصمیم بگیرند آرای الکترال ایالت‌های محل مناقشه نباید به‌حساب آورده شوند. تصور کنید که در این سناریو، آرای الکترال میشیگان باطل شوند. در این شرایط، هیچ‌یک از دو کاندید، ۲۷۰ رأی الکترال لازم برای پیروزی در انتخابات را نخواهد داشت.در چنین شرایطی، قانون اساسی آمریکا می‌گوید مجلس نمایندگان باید با رأی‌گیری سرنوشت انتخابات ریاست‌جمهوری را مشخص کند. در این رأی‌گیری هر ایالت، حق تنها یک رأی دارد. اگر همین ارقام در انتخابات سال جاری باقی بمانند، ۲۶ ایالت رأیشان جمهوری‌خواه، ۲۳ ایالت رأیشان دموکرات و یک ایالت مساوی بوده است. بنابراین نتیجه این رأی‌گیری، انتخاب مجدد دونالد ترامپ خواهد بود. ترامپ لازم نیست غیراز پذیرش این نتیجه که مبتنی بر قانون اساسی است کاری انجام دهد».

همزمان با مطرح شدن جدی این سناریو منابع خبری نیز به رسانه‌های آمریکا گفته‌اند ترامپ در جلسه‌ای روز چهارشنبه(۲۱ آبان) با مشاورانش درباره فرستادن الکتورهای وفادار به خودش به جلسه مجمع گزینندگان بی‌توجه به نتیجه انتخابات آمریکا رایزنی کرده است.روزنامه نیویورک‌تایمز این خبر را گزارش داده و نوشته این نقشه بر اساس این فرض طراحی شده که مجالس ایالتی با نادیده گرفتن نتیجه آرای مردمی، الکتورهایی را به مجمع گزینندگان بفرستند که رأی خودشان را به ترامپ بدهند.نیویورک‌تایمز نوشته این طرح با آنکه از لحاظ عملی امکان‌پذیر است به‌صورت گسترده توسط کارشناسان رد شده و به‌عنوان توهین به دموکراسی توصیف شده است.

نتیجه‌گیری

انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در آمریکا درهاله‌ای از ابهام به سر می‌برد. جامعه این کشور به شدت دو قطبی و گسسته شده است. با وجود اینکه بسیاری از شکایت‌های ترامپ در ایالت‌های مورد مناقشه یکی پس از دیگری رد شده و رسانه‌ها و بسیاری از جمهوری خواهان بر شکست وی مهر تائید زده‌اند اما خود ترامپ حاضر نیست شکست را بپذیرد. ده‌ها هزار طرفدار وی نیز روز شنبه به پایتخت آمدند و از ادعاهای تقلب وی حمایت کردند. اگر ترامپ تا روز ۲۰ ژانویه (اول بهمن) شکست را نپذیرد بر اساس گزارش‌ها سرویس مخفی آمریکا او را از کاخ سفید بیرون خواهد کرد اما این سرکشی ترامپ وضعیت مخاطره‌آمیزی را برای امنیت ملی این کشور به‌وجود آورده است.فارن افرز در مقاله‌ای با عنوان «گذار خیانت‌آمیز قدرت در آمریکا» نوشته است: دوران گذار قدرت از هر زمان دیگری خطرناک‌تر خواهد بود. سرکشی ترامپ نه تنها دموکراسی آمریکا را تهدید می‌کند، بلکه امنیت ملی این کشور را نیز به خطر می‌اندازد. این تجربه، باید سیاستگذاران آمریکایی را ترغیب کند تا دیدگاهی کاملاً نو به رویکرد گذار ریاست جمهوری در این کشور در پیش بگیرند».

باید منتظر بود و دید آیا ترامپ خود با پای خود کاخ سفید را ترک می‌کند یا ارتش آمریکا او را به زور بیرون می‌کند. شاید هم ترامپ بدون اذعان به شکست بی‌سر و صدا کاخ سفید راترک کند. ترامپ فعلاً بازی را باخته است اما به گفته نزدیکانش او به انتخابات ۲۰۲۴ فکر می‌کند. دیدگاه‌های وی در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و حتی علم طرفداران زیادی در آمریکا دارد و ترامپ با استفاده از این پایگاه گسترده اجتماعی می‌تواند به آینده امیدوار باشد البته اگر به سرنوشت کندی دچار نشود.

قانون اساسی آمریکا انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را مفروض گرفته و لذا مسیر انتقال قدرت در صورتی که نامزد شکست خورده شکست را نپذیرد در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

***

اگر شکایت‌های ترامپ به‌گونه‌ای باشد که جدال بر سر نتیجه را وارد فرآیندهای حقوقی پیچیده کند در آن صورت وی می‌تواند به لحاظ قانونی بر سر قدرت باقی بماند؛ البته امکان وقوع این سناریو به گفته کارشناسان بسیار بعید است و بیشتر به کودتا شبیه است.

برخی از کارشناسان بر این باورند که شخصیت بیمار و خودشیفته ترامپ به‌گونه‌ای است که اجازه نمی‌دهد به او که شکست را بپذیرد.

***

«باب وودوارد» روزنامه‌نگار معروف آمریکایی: دلیل اصلی ترامپ برای امتناع از پذیرش شکست، ترس از محاکمه است. ترامپ تصور می‌کند بعد از خروج از کاخ سفید پایان خطرناکی در انتظارش خواهد بود.

بسیاری از کارشناسان و رسانه‌ها یکی از دلایل اصلی شکست ترامپ را ناتوانی در مدیریت بحران کرونا می‌دانند.

***

کرونا، آمریکا را در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری این کشور به بحران عمیق اقتصادی فرو برد و به باور کارشناسان به مهم‌ترین عامل باخت ترامپ بدل شد.

برخی منابع

«۶ پرونده قضایی بزرگی که پس از خروج ترامپ از کاخ سفیدگریبانگیر او خواهند شد» (باشگاه خبرنگاران، ۲۱ آبان ۹۹)

«مناقشه انتخاباتی تا چه زمانی ادامه‌دار می‌شود؟/ روزهای بی‌سابقه در انتظار آمریکاست؟» (تسنیم،۲۱ آبان ۹۹)